نگره تطبيقي مرامنامه حزب جمهوري اسلامي و فرهنگستان علوم اسلامي

7 اسفند 1392

# مرامنامه حزب جمهوري اسلامي

هدف حزب تداوم بخشيدن به انقلاب خلق مسلمان ايران در راه استقرار نظام عدل اسلامي در زمينه‌هاي معنوي، فرهنگي، اقتصادي، سياسي و نظامي است.

اين تلاش در آغاز اقدامات زير را در بر خواهد داشت:

1. بالابردن آگاهي اسلامي و سياسي مردم ايران و سرعت بخشيدن به خودسازي انقلابي آن‌ها در همه ابعاد.
2. پاك‌سازي كشور از آثار استبداد و استعمار و مبارزه پي‌گير با همه عوامل و زمينه‌هاي ذهني و عيني آن.
3. برقراري آزادي‌هاي اساسي از قبيل آزادي بيان و قلم، آزادي اجتماعات و ديگر آزادي‌هاي انساني ارزش‌آفرين كه شرط لازم براي شكوفايي استعدادها و توانايي ملّت بر ايفاي نقشي خلاّق در تعيين سرنوشت اجتماعي خويش است.
4. تبديل نظام فاسد اداري موجود به سازمان اداري جديدي كه در آن ايمان و صداقت و لياقت معيار تصدّي هر شغل باشد و علاقه به كار و احساس مسئوليت جانشين بي‌تفاوتي كنوني گردد.
5. پايان دادن به سلطه اقتصادي بيگانگان و جلوگيري از چپاول و هرز رفتن منابع طبيعي و نيروي كار كشور از راه تبديل صنعت مونتاژ و وابسته و كشاورزي آشفته و رو به انهدام كنوني به صنعت و كشاوري مستقل و برنامه‌دار كه در آن منابع طبيعي و نيروي انساني ما با رعايت شرايط اقليمي در جهت مصالح ملّي و تأمين نيازهاي عمومي به كار افتد.
6. ريشه‌كن كردن فقر و محروميت از طريق تأكيد بر ارزش كار و نفي هر نوع استثمار و ايجاد سيستم اقتصادي جديدي كه در آن هيچ‌كس مجبور نباشد نيروي كار خود را كمتر از ارزش اقتصادي واقعي آن بفروشد و بازده كار كشاورز و كارگر و همه زحمتكشان ديگر به صورت كامل عايد خود آن‌ها گردد، شخصيت معنوي و انساني هر فرد تقويت شود و در او شوقي دروني به وجود آيد كه كارآيي و مهارت خويش را بالا برد و به خودكفايي فني جامعه كمك كند.
7. تبديل نظام آموزشي وارداتي استعماري به نظامي اصيل و مستقل كه با اتكاي بر مباني اخلاقي، اجتماعي و تربيتي اسلام امكانات كافي براي پرورش و آموزش صحيح و پربار همه كودكان و جوانان ما فراهم سازد، جهل و بي‌سوادي را در همه قشرها و در همه جاي كشور ريشه‌كن كند، نيروي عظيم انساني ما را به پيشرفت واقعي معنوي، اجتماعي، علمي و صنعتي برساند.
8. ايجاد ارتشي با ايمان و مستقل كه ديگر وسيله سركوبي ملّت و جنبش‌هاي ملّي نگردد و نقش واقعي خود را در دفاع از مرزهاي كشور و حقوق ملّت در برابر هجوم بيگانه ايفا كند، تا مانند همه ارتش‌هاي ملّي در قلب مردم جاي گيرد و از محبّت و احترام عمومي برخورداد باشد.
9. از ميان بردن همه ريشه‌ها و نهادهاي فساد و فحشا كه فرهنگ استعماري بر جامعه ما تحميل كرده است و مبارزه با ماده‌گرايي و دل سپردن به اصالت لذّت مادي كه زمينه رشد ارزش‌هاي عالي معنوي را در محيط اجتماعي ما متزلزل كرده و مانعي بزرگ در راه شكوفايي استعدادهاي نسل جوان، خلاقيت معنوي، اخلاقي، هنري، علمي و فني آنان شده است.
10. تنظيم سياست خارجي بر اساس دو اصل اسلامي تولّي و تبرّي با نتايج زير:
	1. رعايت كامل استقلال سياسي، اقتصادي، فرهنگي و نظامي كشور بدون وابستگي به بلوك شرق يا غرب
	2. احترام به استقلال و آزادي ملّت‌هاي ديگر
	3. توسعه و تحكيم روابط برادرانه با همه مسلمانان جهان در زمينه فرهنگي، اقتصادي و سياسي
	4. داشتن روابط دوستانه سياسي، اقتصادي و فرهنگي با ملّت‌هايي كه در موضع سلطه‌جويي بر ملّت‌هاي ديگر و تجاوز و خيانت به عالم اسلام نباشند
	5. كمك به محرومان و مستضعفان جهان و حمايت همه‌جانبه از ملّت‌هايي كه در راه حق و عدل و آزادي مبارزه مي‌كنند

# اصول خط مشي حزب جمهوري اسلامي

1. تأكيد بر تداوم انقلاب و جلوگيري از هر نوع تحجّر و توقّف در يك مرحله كه بر حسب تجربه تاريخي خودبه‌خود عامل ارتجاع و انحراف خواهد شد.
2. التزام به همبستگي روزافزون همه نيروهاي مبارز مسلمان كه در راه استقرار نظام حق و عدل اسلامي عليه استعمار و استثمار تلاش مي‌كنند و جلوگيري از محدودشدن تداوم مبارزه و تلاش‌هاي سازنده در يك گروه يا قشر معيّن.
3. خودداري از هر نوع وابستگي به گروه‌ها و نيروهايي كه پيوند با آنان به استقلال و اصالت اسلامي جنبش كمترين آسيبي زند.
4. استفاده از همه شيوه‌هاي مبارزه و سازندگي كه با معيارهاي اسلامي سازگار باشد، با بهره‌گيري كامل از آخرين تجربه‌هاي مبارزاتي و سازندگي جوامع بشري و رعايت ضرورت‌هاي هر يك از مراحل تكامل انقلاب اسلامي جامعه ما.

# اصول كلّي تعيّن دفتر مجامع مقدماتي فرهنگستان علوم اسلامي

اصل اول: تمدن حقّه

متن: دفتر مجامع فرهنگ غني «مذهب حقّه جعفري اثني عشري» را اساس متقن جريان «تبيين كيفيت پي‌ريزي» تمدن حقّه در «جميع شئون حيات» مي‌داند.

شرح: اين اصل بيانگر آن است كه تحقق تمدني كه موجب رشد انسان در همه شئون حيات و در تداوم تاريخ مي‌باشد، جز بر پايه‌هاي استواري كه حضرت حق فطرت رشد را بر آن قرار داده و توسط پيامبر اكرم(ص) و ائمه معصومين(ع) به انسان ابلاغ گرديده است نمي‌تواند پي‌ريزي شود.

اصل دوم: احكام تمدن

متن: دفتر مجامع «احراز احكام» مذهب حقّه جعفري را مبتني بر «منطق متقن استناد» كه منحصراً «روش اصوليين» و «طريق فقاهت سنتي» متداول حوزه‌هاي علميه است مي‌داند.

شرح: روش فقاهت سنّتي با پشتوانه عظيم فكري و معنوي تنها روش منطقي است كه به‏كارگيري آن دستيابي به وظايف عملي عباد را در برابر حضرت حق ممكن ساخته و اِسناد احكام را به حضرتش احراز مي‌نمايد. زيرا روش‌هاي برداشتي سازگار با سفسطه‌هاي الحادگران كه در جهان‌بيني نفي‌كننده وحي است نمي‌تواند عهده‌دار بررسي، بيان و استناد احكام الهي گردد.

اصل سوّم: موضوعات تمدن

متن: دفتر مجامع «احكام مذهب حقّه جعفري» را اساس ضروري «تعيّن تبيين موضوعات» دانسته و احراز هماهنگي متقن «روش شناسايي موضوعات» و «منطق استناد» را جزء لاينفك ضرورت فوق مي‌داند.

شرح: كفر براي شناسايي موضوعات عرفيِ تخصّصي كه در حيطه بديهيات عرفي قرار نمي‌گيرد هم از اصول موضوعه‌اي بهره مي‌گيرد كه رشد انسان را متناقض با آن‌چه اديان الهي معرفي نموده‌اند نتيجه مي‌دهد و هم با روش دسته‌بندي سازگار با سفسطه‌هاي الحادي به جمع‌بندي سازگار با ادراكات تخيّلي نسبت به رشد انسان مي‌پردازد. لهذا اين اصل تأكيد بر آن دارد كه از الحاد جز آشفتگي، سرگرداني و نابساماني برنمي‌خيزد و از اين‌رو تعيّن و استقرار شناسايي موضوع رشد و كمال انساني منحصراً با نصب‌العين قرار دادن احكام حقّه، آن‌هم با روشي كه سازگار با منطق جهان‌بيني اسلامي باشد، دست‌يافتني است. به بيان ديگر منطق انطباق كه ناظر بر موضوع‌شناسي است بايستي سازگار با منطق استناد كه عهده‌دار استخراج احكام الهي است بوده و نيز هماهنگ با منطق جهان‌بيني باشد. بنابراين رشد ادراك در شناسايي موضوعات جز بر اساس احكام الهي سامان نمي‌يابد.

اصل چهارم: حركت در تبيين موضوعات

متن: دفتر مجامع حركت در «تعيّن تبيين موضوعات» را مبتني بر ضرورت «اصطكاك هماهنگ ادراكات» بر «مبنا و جهت واحد» مي‌داند.

شرح: اين اصل روشنگر آن است كه حركت در تبيين ادراكات حقّه بايد در جريان برخورد آگاهانه انديشه‌هاي مختلف صورت پذيرد. روشن است كه در برخورد انديشه حق با باطل، حق جلوه خواهد يافت و آشكار خواهد گرديد و باطل محو و ناپديد خواهد شد و اين به مثابه پيروزي حق و نابودي باطل است. براي دستيابي به اين امر، بي‌گمان برخورد انديشه‌ها بايد هماهنگ و داراي مبنا و جهت واحد باشد كه اگر اين برخوردهاي ابعاد مختلف از ويژگي هم‌آغازي، هم‌راستايي و هماهنگي برخوردار نباشد، جز تشتّت، گمراهي، آشفتگي و تنازع به بار نخواهد آورد.

اصل پنجم: نظام تبيين موضوعات

متن: دفتر مجامع تحقّق «هماهنگي رشد عملكرد» را مبتني بر ضرورت تعادل توان كيفي «استنتاجات، ارتباطات، امكانات» متناسب با «مراحل رشد ادراك» در «جميع مراتب تشكّل نظام» مي‌داند.

شرح: اصل بالا تبيين اين امر است كه تا كنون در نوع تنظيمات اجتماعي توجه به آثار و پيامدهاي عمل و خصلت مشترك كار جمعي كم بوده است. از اين رو، نيازهاي زودگذر سطحي موجب شده است كه در اين تنظيمات به صورت انفعالي زمينه حركت مديريت بيگانه آماده گردد كه بر پايه اين‏گونه مديريت، كفار با ترفند و نيرنگ‌هاي خاصّي، پس از به بن‌بست رساندن موضعي مسلمين، سررشته امور را به دست گرفته و زمينه اجراي برنامه‌هاي تبهكارانه خود را فراهم مي‌سازند. لذا در تنظيم نظام دفتر مجامع به دو امر توجه شده است: الف. فرهنگي بودن نظام كه بر اين اساس، رشد ادراكات پايه تقسيمات طولي مراتب نظام است و از پيامدهاي آن توجه و جهت‌گيري دائم به اصل هدف مي‌باشد. ب. تعادل آثار عمل و رشد نظام كه بر اساس تعادل كيفي قدرت ناشي از «استنتاجات، ارتباطات، امكانات» لازم به دست مي‌آيد كه پايه تقسيمات عرضي نظام بوده و از آثار آن عنايت به رشد هماهنگ در تداوم تاريخ است.

اصل ششم: مشروعيّت نظام

متن: دفتر مجامع «انسجام نظام» و «كيفيت اداره» را مبتني بر ضرورت «جريان حقّه ولايت فقيه» در جميع مراتب دانسته و تبعيّت از «نظام جمهوري اسلامي ايران» را بر اساس «تنفيذ» رهبري الهي معظم «ولي فقيه» جزء لاينفك ضرورت فوق مي‌داند.

شرح: علاوه بر بيان طريق و اساس مشروعيّت نظام، تأكيد بر آن دارد كه انسجام، يكپارچگي و هماهنگي نظام ويژگي ذاتي جريان مديريت الهي است و مديريت الحادي نقطه مقابل آن بوده كه چون از انگيزش‌هاي فطري و سرشت خدايي مايه نمي‌گيرد، انسجام آن تخيّلي و هماهنگي آن تحميلي بوده و خصلت ذاتي آن آشفتگي و نابساماني است.

اصل هفتم: انسجام اصول

متن: دفتر مجامع «نظام» و كلّيه «تنظيمات لازمه انسجام» و «تحقّق برنامه‌هاي خود» را منحصراً مبتني بر «مجموعه اصول كلّي تعيّن دفتر مجامع» دانسته و جز بر اين اساس، تمسّك به اصول فوق‌الذكر را تخلّف از «مبناي تعيّن» مي‌داند.

شرح: اين اصل كلّيه اصول پيش‌گفته را مجموعه‌اي هم‌بسته و يكپارچه، بر اساس و جهت واحد ملاحظه نموده كه با دستگاه و مديريتي برخاسته از همان اساس و جهت، زمينه اداره ادراكات را بر مبناي حق پي‌گيري مي‌نمايد.

# مرامنامه حزب برادران نور

شعار حزب برادران، استقلال ايران در ظل لواي مذهب جعفري بود. مهمترين اهداف و راه‌كارهايي كه در مرامنامه حزب آمده است به شرح ذيل است:

اصل نخست: حفظ وحدت ملي ايران و توسعه مذهب جعفري اثني‌عشري در آن

اصل دوم: اجراي قانون اساسي بالاخص اعتبار نظارت علماي طراز اول (اصل دوم متمم قانون اساسي مشروطه) در مجلس سنا و ايالتي و ولايتي

اصل سوم: تحول فكري در شئون ملي و مبارزه با خرافات

اصل چهارم: الغاء امتيازاتي كه بر اثر خرافات و تعصبات جاهلانه در ادوار گذشته ايجاد شده و اثبات امتيازاتي كه موافق با عقل و طبع باشد.

اصل پنجم: تشديد مباني روحانيت به نحوي كه رتبه و راتبه در آن محفوظ باشد.

اصل ششم: تعليم عمومي نظام و تقويت نيروي دفاع و مبارزه با هرج و مرج

اصل هفتم: به كار انداختن منابع ثروت و تزييد منافع عمومي و تأمين بودجه كشور به نسبت درآمد

اصل هشتم: تعميم فرهنگ به وسيله اجراي تعليمات اجباري و عمومي از حيث آموزش و پرورش

اصل نهم: حفظ مركزيت ايران با رعايت آن‌كه قطعات مملكت از همه شئون اجتماعي بدون امتياز برخوردار باشند.

اصل دهم: ايجاد بهداشت عمومي از حيث تغذيه و دوا و حفظ‌الصحّه و مسكن و تكثير نسل به تسهيل امر ازدواج

اصل يازدهم: ايجاد و تحكيم روابط حسنه بين‌الملل و دول اسلامي

اصل دوازدهم: مبارزه با استبداد در جميع شئون اجتماعي